

تحریم و مذاکرات هسته‌ای یکی از موضوعات روز ایران و در دایره‌ای گسترده‌تر جهان است. اما آثار هنری چگونه می‌توانند به این مسائل بپردازند و چگونه هنرمندان با حضورشان در فعالیت‌های اجتماعی می‌توانند همراه مردم و سیاست‌مداران شوند؟ هرچند برخی به‌جد مخالف سیاست‌زدگی هنر هستند و آن را تقیبیح می‌کنند، اما برخی دیگر هنرمند را عضوی از جامعه می‌دانند که نمی‌تواند از تأثیرات تصمیمات سیاسی بر خودش و جامعه‌اش غافل باشد و به‌همین دلیل ناگزیر از پرداختن به موضوعات سیاسی است. «احمد شیرزاد»، تحلیلگر مسائل سیاسی، در *گفت‌وگو با «شرق»* درباره این نسبت سخن گفته است.

✂ تصمیمات کلان سیاسی؛ برای مثال درباره مسئله هسته‌ای ایران، می‌تواند دستمایه تولید آثار هنری قرار گیرد؟

به‌صورت سنتی سیاست‌مداران از هنرمندان توقع دارند که در مدح آنها و سیاست‌هایشان سخن بگویند. از دیرباز چنین علاقه‌ای به ستایش و مدح در میان اهل قدرت وجود داشته است. در مورد هنری مثل نقاشی، پرتره‌های تمام‌قد چهره‌های سیاسی اثرگذار نشان‌دهنده این تمایل است. جالب اینکه امروز هنرهایی مثل عکس و تصویرسازی، کارکرد نقاشی در دوران قدیم را پیدا کرده‌اند. ولی به نظر من این فروختن هنر است و هنرمندان نباید هنر ارزشمندشان را به کسی بفروشند. درواقع حرفم این است که ورود صریح هنرمند به عرصه سیاست، هنر را از مردم عادی دور می‌کند. مخاطبان آثار هنری سیاسی به شکلی که گفتم عامه مردم نیستند. استقلال هنرمند به نظر من مهم‌ترین اصل برای اوست.

✂ یعنی شما با ورود هیچ‌گونه موضوع سیاسی‌ای به عرصه هنر موافق نیستید؟ یعنی هنرمند نمی‌تواند تأثیر تحریم را بر زندگی روزمره مردم تصویر کند بدون اینکه هنرش سفارشی باشد؟

ببینید هنرمند اصولاً نمی‌تواند به‌عنوان کسی که اهل فکر و خلاقیت است، از آنچه در اطرافش می‌گذرد، خودش را کنار بکشد چون به بیان ساده، هنرمند در خلا کار نمی‌کند، مخاطبانی دارد که مردم هستند و این مردم هم در شرایط ویژه اجتماعی و سیاسی زندگی می‌کنند. باین‌حال اگر هنرمند بخواهد

از موضوعات سیاسی وام بگیرد باید به واقعیت متعهد باشد و آنچه را که می‌بیند، ارائه کند. درباره همین مثال شما، من در سال‌های اخیر دوستانی را مخصوصاً در عرصه سینما دیده‌ام که آثاری را تولید کرده‌اند که نه هنری بوده است و نه حتی منصفانه. این نشان می‌دهد هنرمند هیچ تصویری از موضوعی که به آن پرداخته، نداشته است؛ نه آن فضا را لمس کرده و نه حتی از نظر کارشناسی درباره موضوع مهمی مثل مسئله هسته‌ای تحقیق و تفحص کرده است. این نشان می‌دهد که هنرمند از سیاست‌مدار یک خط خاص را گرفته و بعد در یک فضای ذهنی و انتزاعی اثری تولید کرده است. این سفارشی‌کارکردن به‌هیچ‌وجه درست نیست و نه‌تنها هیچ کمکی نمی‌کند، بلکه بیشتر باعث می‌شود یک روایت خاص از تاریخ ارائه شود.

✂ سیاست‌مدار اگر می‌خواهد حمایتی از هنر داشته باشد باید هنرمند را آزاد بگذارد تا کارش را بکند حتی اگر به خود او نیش بزند. حرف من این است که اشکالی ندارد هنرمند از موضوعات سیاسی برای تولید اثر استفاده کند، اما اولاً باید به موضوع اشراف داشته باشد و درثانی باید چیزهایی را که در جامعه دیده و لمس کرده براساس انصاف و واقع‌بینی ارائه دهد

✂ بعضی‌ها اسم این کار را حمایت از هنر می‌دانند چون هزینه تولید آثار هنری مخصوصاً در زمینه مسائل کارشناسی بسیار بالاست.
سیاست‌مدار اگر می‌خواهد حمایتی از هنر داشته باشد باید هنرمند را آزاد بگذارد تا کارش را بکند حتی اگر به خود او نیش بزند. حرف من این است که اشکالی ندارد هنرمند از موضوعات سیاسی برای تولید اثر استفاده کند، اما اولاً باید به موضوع اشراف داشته باشد و درثانی باید چیزهایی را که در جامعه دیده و لمس کرده براساس انصاف و واقع‌بینی ارائه دهد. منظور من حتی این نیست که بگویم از رقیب سیاسی من سفارش نکیر و فقط از من سفارش بگیر. من درمجموع با هنر سفارشی موافق نیستم.

✂ خود شما به‌عنوان یک فعال سیاسی از هنرمندان انتظار دارید درباره

زاویه



عکس: مهدی حسینی‌شرق

مسئله هسته‌ای با موضوع تحریم، اثر هنری تولید کنند؟
بله، چنین انتظاری دارم، اما نه به‌عنوان یک فعال سیاسی بلکه اتفاقاً به‌عنوان یک استاد دانشگاه و یک روزنامه‌نگار چنین انتظاری از آنها دارم. بگذارید مثالی بزنم درباره همین اتفاقی که همین اواخر رخ داد: درباره تشبیح پیکر غواصان شهید، ببینید ما در طول جنگ شاهد حماسه‌های زیادی بوده‌ایم که حتماً لازم است درباره آنها صحبت شود ولی چرا تا حالا هیچ‌وقت بُعد ناهنجار جنگ به تصویر کشیده نشده است؟ ما باید در کنار ایثار و رشادت‌ها، چهره کربه جنگ را هم به تصویر بکشیم. ما چرا هیچ‌وقت درباره فضایی که در سال‌های آخر جنگ حاکم و منجر به تصمیم‌پذیرش پایان جنگ شد، اثر تولید نکرده‌ایم. در آن سال‌ها بمباران‌های بسیار گریهی اتفاق افتاد که هنوز درباره‌اش صحبت نشده است.

✂ واقعیت این است که جامعه هنری هم با محدودیت‌های زیادی روبه‌روست.

بگذارید یک مثال بزنم. در طول جنگ سرد، برای سال‌ها موشک‌های آمریکا و شوروی سابق، اروپای غربی و شرقی را نشانه رفته بود. روشن بود اگر حادثه‌ای بین این دو قدرت ایجاد شود، اروپا ویران می‌شود. این موضوع دستمایه موجی در ادبیات اروپا شد و فشارهایی ایجاد کرد که نهایتاً در فروپاشی دیوار برلین بسیار اثرگذار بود و حتی می‌توانم بگویم موجب تغییر تفکر آمریکا و غربی‌ها درباره اروپا شد.

ما در جامعه‌مان هیچ حسی درباره تهدید جورج بوش به جنگ نداشتیم و درک نمی‌کردیم اگر این اتفاق رخ دهد، چه می‌شود. در اینجا بود که می‌توانست پای هنرمندان وسط کشیده شود.

هنرمندان می‌توانستند از تخیلشان برای به‌تصویرکشیدن چنین جنگی استفاده کنند.شاخک‌های هنرمند باید زودتر از بقیه مردم فعال شود. اوست که باید جامعه را بیدار کند و بپرسد آیا شما می‌دانید جنگ هسته‌ای چیست؟ موازنه هسته‌ای در جایی مثل خاورمیانه که هرروز دچار آشوب است چه معنایی دارد؟ می‌دانید اگر جنگ هسته‌ای بین افغانستان و پاکستان درگیرد، چه اتفاقی می‌افتد؟ من فکر می‌کنم مشکل جامعه هنری ما این است که نمی‌تواند درک و خلاقیتش را به‌کار گیرد تا این هشدارها را به مردم بدهد.

در قبال این مسئله نمی‌کند یا نمی‌تواند بکند. رشد انکلوار و غیرقارچ‌کنترل این بانک‌های سایه به مراحل خطرناکی از انفجار قریب‌الوقوع بخش مالی رسیده است؛ شبیه چیزی که حدود هفت سال پیش در ایالاتمتحده رخ داد و از آن موقع به تعدادی از کشورهای اروپایی منتقل شد. ایالاتمتحده و متحدانش به‌روشنی به این مسئله آگاه هستند که ادامه‌یافتن بلاکلیفی ناشی از طولانی‌شدن مذاکرات هسته‌ای برای اقتصاد ایران مخرب است. شاید این مسئله به توضیح این امر کمک کند که چرا آنها مذاکرات را برای یک مدت طولانی ۱۰، ۱۵ و حتی ۲۵ساله کش می‌دهند.

نه‌تنها دولت روحانی بخش خصوصی را به‌سوی یک سردرگمی و بلاکلیفی سوق داد، بلکه مسئولیت‌های سنتی بخش دولتی را نیز در حوزه هدایت اقتصاد کلان و توسعه‌های ساختاری از آن سلب کرد. چشم‌انداز اقتصادی دولت در اولویت‌های اخیر بودجه‌اش نمودار می‌شود. می‌دانیم که نسخه نئولیبرال ریاضتی طرف تولید از اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ جایگزین نسخه کینزی نئودیل سوسیبال‌دموکراتیک دوره

سه‌دهه پیش یعنی اواسط دهه ۱۹۴۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ شد که اغلب بیشتر برای بهبود اقتصاد به بخش دولتی تکیه می‌کرد. این جابه‌جایی تاریخی از نئودیل به اقتصاد نئولیبرال غالباً در دهه ۱۹۸۰ و تحت حمایت رئیس‌جمهور رونالد ریگان در ایالاتمتحده آمریکا و نخست‌وزیری مارگارت تاچر در بریتانیا رخ داد. علاقه رئیس‌جمهور روحانی به دکترتیس اقتصاد نئولیبرال از خیل سخنرانی‌ها و بیانات وی و همچنین از کتابش، «امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران»، واضح و آشکار است.

اهمیت بسیار زیادی که به مذاکرات هسته‌ای داده می‌شود و بیشتر زمان و انرژی دولت روحانی را به قیمت همه‌چیز می‌گیرد، جای سیاست‌های ضروری و موردنیاز اقتصاد کلان را گرفته است. هرچه‌زودتر چنین سیاست‌های بی‌جهت به‌تاخیرافتاده، از باری فریب‌کارانه امپریالیستی مذاکرات هسته‌ای خارج شود، بهتر است. «کارشناس ارشد مطالعات آمریکای شمالی مرکز تحقیقات جهانی شدن، ۲۳ ماه می ۲۰۱۵

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

یک مفهوم

گزارش

اثر انگشت هنرمندان ایرانی

در روزهای بلند تحریم

سارا راد

واژه تحریم یکی از مهم‌ترین واژگان ۳۵ ساله ادبیات سیاسی و اقتصادی ایران است. تحریم، سوای تبعات مختلف سیاسی‌اش، شالوده‌ای فرهنگی و بلاواسطه را بین مردم ایران و مردم دیگر کشورهای جهان بنیان گذاشته است و سرشار از قصه‌ها و سرنوشت‌هایی است که می‌تواند برای هر اندیشمندی دستمایه آثار هنری و سینمایی در هرکجای جهان باشد. اما سهم هنرمندان ایرانی در خلق و بسط در این زمینه چه بوده است؟ باور غالب این است که سایه سیاست، هنرمندان و اندیشمندان ایرانی را از خلق و تولید هنری بازداشته است. پرسش این است که آیا این سکوت به معنی بی‌تفاوتی است یا عدم حضور تحریم و مخصوصاً تحریم دارویی در آثار هنری ما دلیل دیگری دارد؟ بسیاری از هنرمندان در این چندانسل در صحبت‌هایشان به این واژه و تأثیراتش اشاره کرده‌اند؛ اصغر فرهادی از جمله این هنرمندان است. او در گفت‌وگویی که با نشریه «لوموند» داشت، در پاسخ به این پرسش که به‌عنوان یک ایرانی و هنرمند تحت‌تأثیر این تحریم‌ها قرار گرفته است یا خیر؟ گفت: «همه فشار تحریم‌ها را حس می‌کنند و زندگی روزانه هم دچار تغییرات شده است. بسیاری از بیماران خاص دیگر نمی‌توانند داروهای خود را دریافت کنند. اصلاً درست نیست که بگویم این تنها دولت است که فشار تحریم‌ها را حس می‌کند و تنها دولت هدف تحریم‌ها قرار گرفته است. این مردم هستند که درجه‌اول عواقب تحریم‌ها را باید تاب بیاورند. تحریم‌ها نشان‌دهنده ترسوپودن قدرت‌های بزرگ است. تحریم روش درستی برای تحت‌فشارقرار دادن دیگر دولت‌ها نیست». این سخنان در جشنواره کن دو سال قبل آغازی بود که هنرمندان دیگر نیز قدم پیش بگذارند و برخی فعالیت‌ها را در زمینه‌های جهانی انجام دهند. اما این سؤال مطرح است که تحریم در کدام آثار سینمایی ایران مطرح شده و چگونه این روند ممکن است و ابزار پرداختن به آن چیست؟

تحقیقات دقیق

خسرو سینایی، کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس ایرانی، در گفت‌وگو با «شرق» در پاسخ به این پرسش که از نظر او به چه دلیل هنرمندان ایرانی خصوصاً سینماگران در آثارشان به سراغ این موضوع نرفته‌اند؟ گفت: «اگر فیلم‌ساز یا هنرمندی در کارش خلافت داشته باشد، می‌تواند هر کار هنری‌ا را خلق کند. به‌نظر من این موضوع نیازمند تحقیق دقیق است و بدون تحقیق طولانی و دقیق، اثری که در این‌باره خلق شود، سطحی خواهد بود. طبعاً با درنظرگرفتن همین تحقیقات طولانی و دقیق می‌توان اثری خلق کرد که برای مخاطب ایرانی و خارجی قابل‌درک و ملموس باشد.»